

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده: علی مشرف  
۲۰ اپریل ۲۰۲۲

## جنگ اوکراین از نگاه چینی‌ها دیدگاه چین در قبال سیاست بین‌الملل (۹)

### فهرست مطالب

هم مقدمه و هم پی‌نوشت ...

صلح را گرامی بداریم، با هم در اتحاد کار کنیم و یک آینده برد-برد را برای آسیا-اقیانوسیه دنبال کنیم  
جنگ، ریسک و روابط ..

سرمقاله گلوبال تایمز: امریکا نمی‌تواند انتظار داشته باشد که چین تحت سرکوبش همکاری کند  
نتایج احتمالی جنگ روسیه و اوکراین و انتخاب چین ..

"انزوای" باشکوه در جنگی درون اروپا

متهم ساختن چین در نزاع روسیه و اوکراین، مُهمل و مضحک است ...

روابط چین-روسیه مهم‌ترین دارایی ستراتیژیک است که با تحریک امریکا نمی‌تواند آسیب ببیند .

مردم چین کوچک‌ترین تحولات در رویارویی روسیه- امریکا را دنبال می‌کنند .

هماهنگی دو سوی اقیانوس اطلس در قبال چین؟ .

معضل دوگانه امنیت

### هماهنگی دو سوی اقیانوس اطلس در قبال چین؟

نویسنده: سان چنگهائو

[توضیح: نویسنده این مطلب پژوهشگر مرکز ستراتیژی و امنیت بین‌المللی در دانشگاه شینگ‌هوا در بیجینگ است.

این مطلب در تاریخ ۱۰ مارچ ۲۰۲۲ منتشر شده است.]

از زمانی که جو بایدن رئیس جمهور امریکا شده است، روابط ترانس‌آتلانتیک [بین دو سوی اقیانوس اطلس] شاهد

احیای سریع بوده است. این امر ارتباط نزدیکی با بازگشت دولت بایدن به سیاست خارجی ایدئالیستی و تلاش‌های ایالات

متحد برای متحد کردن اروپا برای مشارکت در رقابت شدید با چین دارد.

در زمینه‌های ایدئولوژی، اقتصاد، تجارت و حتی امنیت، ایالات متحده فعالانه از اروپا خواستار اقدام علیه چین است. به‌طور خاص، تحریم‌های اعمال شده توسط ایالات متحده و اتحادیه اروپا علیه چین، تصویب توافق‌نامه جامع سرمایه‌گذاری چین-اتحادیه اروپا را متوقف کرده است و باعث شکاف در روابط چین و اتحادیه اروپا شده است.

مواضع و اهداف مورد تعقیب آمریکا و اروپا در دوران ریاست جمهوری بایدن، یکسان نیست. خروج عجولانه نیروهای امریکائی از افغانستان و اعلام ناگهانی پیمان دفاعی AUKUS توسط ایالات متحده، بریتانیا و استرالیا، اروپا را غافلگیر کرد و زنگ هشدار دیگری برای آن شد تا به دنبال استقلال ستراتیژیک باشد.

با این حال، پس از آغاز بحران روسیه-اوکراین و عملیات نظامی ویژه روسیه، اتحاد آمریکا و اروپا به طور کامل در حوزه‌های مختلف فعال شده است. هماهنگی‌های مکرر دیپلماتیک، صف‌آرایی نظامی و تحریم‌های اقتصادی نشان‌دهنده توانائی‌های این دو متحد برای انجام اقدامات مشترک در مواجهه با بحران است.

بحران نوپدید روسیه-اوکراین چه تأثیری بر اتحاد ترانس‌آتلانتیک در رابطه با چین خواهد داشت؟ برای ایالات متحده، این بحران توانائی آن را برای متحد کردن اتحادیه اروپا از دو طریق افزایش می‌دهد.

از یک سو، ایالات متحده در حوزه امنیت نظامی، کنترل و نفوذ بیشتری بر اروپا دارد. اروپا که زمانی مست و مدهوش از پست‌مدرنیسم بود، درمی یابد که هنوز باید با مسائل امنیتی سنتی جنگ و صلح روبه رو شود و برای حفاظت از خود به شدت به ایالات متحده وابسته است. در چنین شرایطی، ناتو - به رهبری ایالات متحده - برای امنیت اروپا ضروری شده است و ایالات متحده همچنان بر مسیر آینده تحول ناتو و هدف رقابت قدرت‌های بزرگ، تسلط خواهد داشت. این به نوبه خود منجر به افول استقلال اروپا در حوزه امنیت خواهد شد.

از سوی دیگر، دلایل بسیار قوی‌تری برای آمریکا وجود دارد تا در مواجهه با چین، اروپا را به‌صورت ایدئولوژیک درگیر کند. با بحران روسیه-اوکراین، ایالات متحده بر این باور است که موقعیت اخلاقی برتر را به‌دست آورده است و اتحاد مبتنی بر ارزش‌های آن در اروپا جذاب‌تر شده است. پیش از این، هم ایالات متحده و هم اتحادیه اروپا، چین را به به زیر سؤال بردن نظم اقتصادی و سیاسی بین‌المللی موجود، متهم کرده بودند.

در حال حاضر، صدای چین که صلح را از طریق مذاکره ترویج می‌کند، توسط ایالات متحده و اتحادیه اروپا نادیده گرفته شده است و آن‌ها در عوض، سرزنش چین و روسیه را به‌صورت مشترک، به‌خاطر تضعیف نظم بین‌المللی و قواعد آن، افزایش داده‌اند. ایالات متحده و اروپا تصویری قطعی دارند مبنی بر این که چین و روسیه یک اتحاد مستحکم شکل داده‌اند و ایالات متحده به همکاری با اروپا برای پیشبرد ستراتیژی ایندو-پاسیفیک (اقیانوس هند و اقیانوس آرام) برای ایجاد توازن با چین ادامه خواهد داد. این تصور و ستراتیژی، به همان اندازه که محتمل است به تضعیف چین و روسیه منجر شود، به تقابل بین ایالات متحده و اروپا منجر خواهد شد.

سخت است نادیده گرفت که در کوتاه مدت، ایالات متحده همچنان در امور امنیتی اروپا درگیر خواهد بود و سرعت ستراتیژی ایندو-پاسیفیک آن علیه چین، تحت تأثیر قرار خواهد گرفت. در آغاز قرن بیست و یکم، دولت بوش پیش از این تصمیم گرفته بود که منابع ستراتیژیک خود را به آسیا-اقیانوسیه شیفت دهد، اما حملات ۱۱ سپتامبر، ایالات متحده را مجبور کرد که چرخش ستراتیژیک خود [به آسیا] را کند سازد و به حاشیه وسیع‌تر اروپا بازگردد. اکنون، به دلیل بحران روسیه-اوکراین، ایالات متحده باید بخشی از منابع دیپلماتیک و نظامی خود را مجدداً به اروپا اختصاص دهد.

اما در درازمدت، زمانی که بحران روسیه و اوکراین فروکش کند یا تا حدودی حل شود، ایالات متحده سیاست "رهبری از پشت" یا حتی "خروج ستراتیژیک" را در اروپا اجراء خواهد کرد و منابع ستراتیژیک اصلی آن در منطقه ایندو-

پاسیفیک سرمایه‌گذاری خواهد شد. اگرچه عقب‌نشینی ستراتیژیک ایالات متحده از اروپا به این بستگی دارد که کدام حزب، دموکرات یا جمهوری‌خواه، در آن زمان در قدرت باشد.

برای اروپا، بحران روسیه-اوکراین بشدت تمایل و توانائی آن را برای همکاری با ایالات متحده علیه چین تضعیف خواهد کرد، زیرا زنگ هشدار به زنگ هشدار ارتقا یافته است. اروپا در آستانه تقویت استقلال ستراتیژیک همجانبه خود است و سرمایه‌گذاری بسیار بیشتری در امور داخلی خود خواهد کرد.

این بحران، شکست ایده اروپا در جست و جوی یک راه میانه، یک توازن قاعده‌مند و سنجیده‌شده بین امریکا و چین را نشان می‌دهد. اروپا امیدوار بود که از نظر ایدئولوژیک خود را با ایالات متحده هم‌راستا سازد، همکاری با چین را در اقتصاد و تجارت حفظ کند، به طور موقت برای امنیت به ایالات متحده تکیه کند و به دنبال بهبود قدرت خود باشد. اما بحران روسیه-اوکراین تأثیر زیادی بر این طراحی داشت. اروپا به میدان اصلی درگیری غرب و روسیه تبدیل شده و ضعف‌های اروپا در اقتصاد و امنیت، آشکار شده است.

حتی اگر بحران روسیه-اوکراین پایان یابد، برخی مسائل اروپا را به دردمند می‌اندازد. در حوزه امنیتی، روسیه همسایه‌ای است که اروپا نمی‌تواند آن را تغییر دهد و صدای استقلال امنیتی در اروپا، بلندتر خواهد شد. آیا امنیت اروپا باید در چارچوب ناتو تقویت شود یا در چارچوب اتحادیه اروپا؟ آیا اروپا برای اتحاد دفاعی اروپائی مختص خود فشار خواهد آورد یا برای امنیت، بیش از این به ایالات متحده متکی خواهد بود؟

در حوزه‌های اقتصادی و تجاری، وابستگی انرژی اروپا به روسیه را نمی‌توان در مدت کوتاهی از بین برد. اروپا چگونه می‌تواند با درد گذار انرژی، مواجه شود؟ بحران انرژی و کمبود مواد غذایی، فشار توری بیشتری بر منطقه یورو وارد کرده است. علاوه بر این، با تشدید تحریم‌های اروپا علیه روسیه، این تحریم‌ها می‌توانند نتیجه معکوس داشته باشند و به اروپا از حیث اقتصادی، ضربه بزنند.

در حوزه اجتماعی، بحران روسیه-اوکراین موج جدیدی از ورود پناهندگان به اروپا را ایجاد کرده است. اروپا چگونه به‌طور مناسب به این موضوع خواهد پرداخت، در حالی که همه‌گیری کووید ۱۹ همچنان در حال پیشروی است؟ همه اینها اروپا را وادار می‌کند تا برای مدتی به جای حمایت از جاه‌طلبی‌های ایالات متحده برای رقابت با قدرت‌های بزرگ، بیشتر بر مسائل داخلی خود تمرکز کند.

در همین حال، بحران روسیه-اوکراین، اختلافات موجود بین ایالات متحده و اروپا در خصوص چین را تشدید کرده است. اروپا و ایالات متحده در حال حاضر با یک برداشت نادرست پیچیده از امنیت روبه‌رو هستند. اروپا روسیه را فوری‌ترین تهدید می‌داند و بر این باور است که جنگ سرد جدیدی که توسط روسیه برافروخته می‌شود، هنوز امکان‌پذیر است. در همین حال، امریکا چین را بحرانی‌ترین مشکل پیش روی غرب می‌داند و احتمال بیشتری دارد که در دام توسیید با چین بیفتد، نه روسیه. [دام توسیید، عبارت است از گرایش به درگیری نظامی، هنگامی که یک قدرت نوظهور، یک هژمون منطقه‌ای یا جهانی را تهدید می‌کند.]

برخی از ستراتیژیست‌های امریکائی بر این باورند که ایالات متحده توانائی تمرکز بر دو حوزه [اروپا و آسیا] را دارد و می‌تواند ستراتیژی دو اقیانوسی- اقیانوس اطلس و ایندو-پاسیفیک- را اجراء کند. اما تناقض‌های ساختاری بین امریکا و اروپا در مورد مسائل چین و روسیه نمی‌تواند براحتی حل شود. این امر تا حد زیادی، سمت و سوی هماهنگی ترانس‌آتلانتیک در قبال چین را تعیین خواهد کرد.

ادامه دارد